



جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

دکتر علیرضا موسوی زاده*
دکتر مهدی جاودانی مقدم**

چکیده

اتحاد طبیعی اسرائیل و کردهای عراق، در واقع تداوم استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل در خاورمیانه برای خروج از انزوا و گسترش حضور در منطقه است. این مسئله در پرتو تحولات نوین در کردستان عراق و گسترش فعالیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کردها در این کشور، زمینه مناسبی را برای توسعه حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه کردستان عراق به وجود آورده است. بر این اساس، اسرائیل همکاری‌های پنهان و گسترده‌ای را با کردها آغاز کرده و با حضور مستقیم در منطقه و یا نفوذ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کردستان، به دنبال ایجاد متحد استراتژیک جدیدی در خاورمیانه بر مبنای «اتحاد پیرامونی» است. این مسئله سبب افزایش حساسیت دولت‌های منطقه و به‌ویژه چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه نسبت به تعاملات اسرائیل و کردها شده و به‌اخبار و اطلاعات منتشره در مورد حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه دامن زده است؛ به‌گونه‌ای که در پاره‌ای از موارد به‌ویژه در رسانه‌های ترکیه و کشورهای عربی منطقه، ابعاد این روابط بزرگ‌نمایی شده و در حد وسیعی گسترش یافته است. این مقاله تلاش می‌کند تا با بررسی پیشینه روابط اسرائیل و کردها و تحولات نوین در روابط آنان، به‌ویژه اقدامات اسرائیل برای نفوذ در منطقه کردستان در شرایط کنونی، منافع استراتژیک دوجانبه کردها و اسرائیل را تجزیه و تحلیل کرده و سپس با بررسی پیامدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعاملات اسرائیل با کردستان، راهبردهایی را در راستای منافع ملی ایران در قبال توسعه روابط اسرائیل و کردها ارائه کند.

کلید واژه‌ها

اسرائیل، کردهای عراق، کردستان بزرگ، خاورمیانه، ایران، ترکیه.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

** دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقدمه

حمله امریکا به عراق و اشغال این کشور و پیامدهای سیاسی، امنیتی و اجتماعی آن، سرآغاز تحولات مهمی در عراق و در سطح منطقه خاورمیانه شده است. در این میان ایجاد اختلافات فرقه‌ای، قومی و مذهبی و به‌ویژه تحولات کردستان عراق، در کانون توجه سیاست دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است. این مسئله به‌ویژه با تصویب طرح تجزیه عراق در سنای امریکا، تشدید فعالیت گروه پ.ک.ک در منطقه، مشکلات موجود برای همه‌پرسی در کرکوک، تداوم اختلاف بر سر تصویب قانون نفت در عراق، تصویب توافق‌نامه امنیتی امریکا و این کشور و اولویت یافتن مسائل مرتبط با قومیت، اقلیت و حقوق بشر در سیاست خارجی اوباما، سبب تقویت جریان‌ات گریز از مرکز و طرح استقلال کردها و ایجاد کردستان بزرگ شده است. از سوی دیگر، سیاست‌های اعمالی برخی دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و به‌ویژه اسرائیل در کردستان عراق، حساسیت‌هایی در میان همسایگان این کشور در قبال آینده این منطقه و پیامدهای سیاسی - امنیتی تعاملات اسرائیل و اکراد به‌وجود آورده است. علاوه بر این، دموگرافی اکراد و پراکندگی جمعیت آنان در میان چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه و پیوند هرگونه تحولی در وضعیت کردها با امنیت ملی این کشورها و روابط خاص هر یک از آنان با کردها و اسرائیل، بر حساسیت موضوع افزوده است. مجموعه این عوامل و منافع استراتژیک متقابل کردها و اسرائیل و اهمیت جایگاه کردستان بزرگ در استراتژی امنیت ملی اسرائیل سبب اهمیت مضاعف تحولات نوین در کردستان عراق شده و چالش‌های سیاسی - امنیتی و اجتماعی را برای دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌وجود آورده است. از نظر این دولت‌ها، روابط اسرائیل و کردها براساس دکترین «اتحاد پیرامونی»، در راستای خروج اسرائیل از انزوای سیاسی، تأمین منافع اقتصادی و امنیتی آن در برابر کشورهای عربی، محاصره اعراب و گسترش نفوذ سیاسی در منطقه تدوین شده و عملاً تمامیت ارضی و امنیت ملی این کشورها را با تهدید مواجه ساخته است. از سوی دیگر، سیاست متناقض، چندوجهی و مبهم امریکا در قبال تحولات کردستان عراق، این موضوع را پیچیده‌تر کرده و سبب تداوم بحران در این کشور و در سطح منطقه شده است. بنابراین با توجه به اهمیت تحولات کردستان عراق و به‌ویژه تعاملات سیاسی - امنیتی اسرائیل و کردها در منطقه و پیامدهای آن بر محیط امنیتی خاورمیانه و بالخصوص ایران، این مقاله به بررسی منافع استراتژیک اسرائیل در کردستان عراق و تعاملات دوجانبه کردها و اسرائیل در پرتو شرایط جدید این کشور می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با ارائه تصویری روشن و دقیق از شرایط کنونی در کردستان عراق، چشم‌انداز بایسته‌های سیاست خارجی ایران در قبال تحولات منطقه را ترسیم کند.

سیاست خارجی اسرائیل در خاورمیانه: از دکترین پیرامونی تا اتحاد پیرامونی جدید

اسرائیل یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه، سرزمین کوچک و باریکی است که به‌دلیل ماهیت تصنعی آن و ظهور این کشور از طریق اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودیان و همکاری قدرت‌های بزرگ، تنها از لحاظ جغرافیایی در منطقه خاورمیانه قرار گرفته و از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از بدو تأسیس تاکنون در انزوا و محاصره دولت‌های عرب و مسلمان بوده است. بنابراین، انزوا، آسیب‌پذیری و خلأ مشروعیت بین‌المللی و منطقه‌ای، خطرات

عمده‌ای بوده‌اند که همواره موجودیت اسرائیل را از ابتدای تأسیس آن تهدید نموده‌اند. بر این اساس، یکی از اولین و مهم‌ترین اهداف اسرائیل در منطقه، تلاش برای خروج از انزوا و کسب متحدانی در خاورمیانه بوده است.^(۱) در این زمینه، اسرائیل از یکسو از طریق سیاست تهاجمی و توسعه‌طلبانه درصدد مدیریت منازعات خود با اعراب برآمده و از سوی دیگر از طریق دکترین اتحاد پیرامونی، به دنبال توسعه حضور و نفوذ خود در منطقه بوده است.

نقشه کردستان بزرگ



کردستان بزرگ ایده موهومی مانند اسرائیل بزرگ است که در آن به جای شعار از نهر تا بحر، شعار از کوه تا کوه مطرح شده که محدوده کوه‌های توروس و آرارات تا کوه حمزین و از آنجا تا دریای مدیترانه را در برمی‌گیرد. برخی دیگر نیز نقشه‌هایی ترسیم کرده‌اند که در آن مرزی برجسته ترسیم شده که شرق بدره و حصان و العماره تا بصره را در بر گرفته و تا اروندرود نیز پیش رفته است. در این زمینه حتی اتحادیه میهنی کردستان عراق هم نقشه‌هایی ترسیم کرده که با گرفتن بخشی از شمال سوریه، عملاً در مرزهای شمالی بنادری در دریای مدیترانه و در مرزهای جنوبی بنادری در خلیج فارس در اختیار خواهد داشت و از همه سو به دریا متصل خواهند شد.

در این میان، با توجه به اینکه اسرائیل از جانب اعراب در محاصره قرار گرفته بود و کشورهای عربی با تشکیل آن مخالفت‌های شدیدی ابراز کردند، لذا توجه سیاستمداران اسرائیل به ایجاد ارتباط با سایر

بازیگران منطقه‌ای - که شامل کشورهای مسلمان غیرعربی (ترکیه - ایران)، کشورهای مسیحی دارای هویت مسیحی (مانند اتیوپی و لبنان) و نیز اقلیت‌های قومی غیرعربی یا غیرمسلمان (کردها و ارامنه) می‌شد - معطوف گردید. این استراتژی که با عنوان اتحاد پیرامونی یا حاشیه‌ای معروف شد، اولین بار توسط «ریوون شیلوا» نخستین رئیس موساد طراحی و به بین‌گوریون ارائه شد. هسته اصلی این استراتژی، جهش به آن سوی حلقه کشورهای عرب متخاصمی بود که اسرائیل را محاصره کرده بودند. بنابراین، استراتژی پیرامونی تأکید می‌کرد که اسرائیل باید روابط خود را با کشورهای پیرامون جهان عرب توسعه دهد، زیرا همان‌گونه که اعراب، اسرائیل را محاصره کرده بودند، اسرائیل نیز باید بتواند کشورهای عربی را محاصره کند تا از این طریق در درازمدت، زمینه خروج اسرائیل از انزوای سیاسی در منطقه فراهم شود و منافع اقتصادی و امنیتی آن نیز در برابر کشورهای عربی تأمین گردد.^(۳)

این استراتژی که مبتنی بر قاعده «دشمن دشمن من دوست من است»^۱ استوار گردیده بود، زمینه تقویت همکاری‌های ایران، ترکیه و اتیوپی با اسرائیل را به‌وجود آورد و به‌همکاری این کشور با اقلیت‌های غیرعرب منطقه مانند کردها نیز منجر شد.

با این وجود، با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر ماهیت روابط ایران و اسرائیل - عدم پذیرش موجودیت اسرائیل توسط نظام جدید ایران و حمایت جمهوری اسلامی ایران از آرمان فلسطین و تأکید آن بر ضرورت مبارزه با اسرائیل - علی‌رغم وجود دو دیدگاه متعارض موافق و مخالف مقامات اسرائیلی در مورد تعاملات اسرائیل با ایران، از ابتدای دهه ۹۰ میلادی و با آغاز فرایند صلح خاورمیانه، ایران مهم‌ترین تهدید امنیت ملی اسرائیل قلمداد شده و استراتژی‌های مختلفی برای مقابله با آن تدوین شد. در این میان، اتحاد پیرامونی جدید یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست خارجی اسرائیل در قبال ایران بود. در واقع، از نظر اسرائیل با توجه به‌دگرگونی ژئوپلتیک منطقه و نقش آن در دوره پس از جنگ سرد، دکترین پیرامونی باید مبتنی بر تحولات جدید منطقه‌ای تغییر می‌کرد. براین اساس، دکترین پیرامونی بر مبنای دشمنی اسرائیل با ایران - به‌جای اعراب - تعریف شده و مکان جغرافیایی پیرامون در استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل، از حاشیه دولت‌های عربی به‌مناطق هم‌جوار ایران تغییر یافت.^(۳) در این شرایط، کردستان عراق به‌دلیل تحولات جدید در عراق پس از جنگ دوم خلیج فارس و به‌ویژه پس از سقوط رژیم صدام، محیط مناسبی برای حضور و نفوذ اسرائیل در مناطق پیرامونی تلقی شده و از اهمیت استراتژیکی در سیاست خارجی اسرائیل برخوردار گردید.

پیشینه روابط اسرائیل و کردها

آغاز تعاملات سیاسی میان کردها و یهودیان به‌مدت‌ها پیش از تشکیل دولت اسرائیل در خاورمیانه باز می‌گردد. این روابط از نظر اسرائیل ریشه در دوره باستان داشته و در کتاب مقدس یهودیان، تورات، نیز به‌آن اشاره شده است. در واقع حضور یهودیان در منطقه کردستان امروزی و به‌ویژه در بابل در دوره دولت باستانی یهود و تعاملات کردهای یهودی و یهودیان آواره در این منطقه در دوره‌های پس از آن، ریشه تاریخی ارتباط کردها و یهودیان را به‌وجود

1. Enemy of enemy is my friend

آورده است.^(۴) از سوی دیگر این روابط پس از تشکیل دولت اسرائیل در خاورمیانه در سال ۱۹۴۸ میلادی تشدید شده و در پرتو استراتژی دکترین اتحاد پیرامونی بن‌گورین - اولین نخست‌وزیر اسرائیل - که مبتنی بر ایجاد ارتباط بین اسرائیل و دولت‌های غیرعرب خاورمیانه مانند ایران، ترکیه و اتیوپی بوده است، تدوین گردید. بر این اساس روابط میان کردها به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه قومی فاقد استقلال سیاسی در جهان و مؤثرترین جریان غیردولتی غیرعرب در خاورمیانه با اسرائیل، در راستای منافع اسرائیل تعریف شد. بنابراین کردها از اهمیت بسیاری در استراتژی امنیت ملی اسرائیل در راستای تلاش آن برای حفظ موجودیت سیاسی خود در خاورمیانه برخوردار شدند و در طول جنگ‌های اعراب و اسرائیل نیز در چهارچوب روابط کردها به‌رهبری ملامصطفی بارزانی و دولت اسرائیل، همواره به‌عنوان اهرم فشاری علیه عراق و سوریه در منطقه مورد استفاده قرار گرفتند. از سوی دیگر از ابتدای دهه ۶۰ میلادی روابط میان اسرائیل و کردهای عراقی با دیدار محرمانه پرز، وزیر دفاع وقت اسرائیل، با یکی از رهبران کرد که از اعضای سازمان موساد در سال‌های اولیه استقلال اسرائیل نیز بود، تقویت شد (در سال ۱۹۶۴ میلادی) و به‌همکاری موساد و کردها در زمینه برگزاری دوره آموزش سه ماهه موساد برای پیش‌مرگان کرد در سال ۱۹۶۵ میلادی انجامید.^(۵) علاوه بر این از سال ۱۹۶۶ میلادی و به‌ابتکار لوی اشکول، نخست‌وزیر اسرائیل، ارتباطات این کشور با ملا مصطفی بارزانی رهبر کردهای عراق آغاز شد و با چند سفر مخفیانه بارزانی به اسرائیل و دیدار با مقامات این کشور در سال‌های بعد تقویت شد. این تعاملات سرآغاز همکاری گسترده دو طرف در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی شد و با همکاری میان موساد و ساواک، ارسال سلاح و مهمات و آموزش نیروهای کرد توسط اسرائیل پیگیری شد. از سوی دیگر، با اجازه دولت ایران جهت آموزش کردهای عراقی توسط موساد در داخل خاک ایران که در راستای منافع مشترک سه‌جانبه آنان برای مبارزه با صدام حسین صورت می‌گرفت، روابط اسرائیل و کردها با ایران نیز تقویت و به‌اتحاد طبیعی سه‌جانبه‌ای تبدیل شد.^(۷) با گسترش تعاملات اسرائیل و کردها در دهه ۷۰ میلادی، بارزانی نیز با نجات صدها عراقی یهودی از اعدام و دیدارهای متعدد از اسرائیل و ملاقات با رئیس‌جمهور و وزیر دفاع اسرائیل، به‌گسترش روابط دوجانبه کمک کرد. با این وجود، با امضای قرارداد الجزایر در ۱۹۷۵ میلادی میان ایران و عراق و پایان اختلافات تهران - بغداد، حمایت ایران و اسرائیل از کردها قطع شد.^(۸) این مسئله که از نظر کردها نوعی خیانت به‌آنان محسوب می‌شد، سبب تیرگی و سردی روابط اسرائیل و کردها گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و سپس آغاز جنگ ایران و عراق و حمایت آمریکا از عراق که در راستای محدود کردن پتانسیل رها شده اسلام سیاسی در منطقه صورت می‌گرفت، کردها مجدداً به‌حاشیه رانده شده و اهمیت استراتژیک خود را در سیاست خاورمیانه‌ای اسرائیل از دست دادند. بنابراین در طی پانزده سال پس از قرارداد ۱۹۷۵، کردها به‌شدت توسط صدام سرکوب شده و حتی منطقه کردستان بارها مورد حملات هوایی قرار گرفته و سلاح‌های شیمیایی نیز علیه آنان به‌کار گرفته شد. از سوی دیگر، با آغاز جنگ کویت و سپس حمایت آمریکا از قیام کردها، که همزمان با سکوت آن در مقابل سرکوب انتفاضه شیعیان در ۱۹۹۱ میلادی صورت می‌گرفت، مناطق پرواز ممنوع در شمال عراق تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌وجود آمد و سپس حکومت خودگردان کردستان در شمال این کشور تشکیل شد. بدین‌سان روابط اسرائیل و کردها وارد مرحله جدیدی شده و با آشکار شدن احتمال تجزیه

عراق توسط کردها، اسرائیل به حمایت از آنان در خلال جنگ پرداخت. از سوی دیگر روابط اسرائیل و کردها در پرتو طرح خاورمیانه جدید پز - نیل تا فرات اقتصادی اسرائیل - در دهه ۹۰ میلادی و تلاش در عضویت اقتصادی آن در خاورمیانه نیز تقویت شد. با این وجود، ایجاد قراردادهای استراتژیک میان ترکیه و اسرائیل در ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ میلادی مجدداً سبب تضعیف روابط اسرائیل و کردها شد، چنانچه در سال ۱۹۹۷ میلادی اسرائیل با پایان دادن به سکوت خود در قبال فعالیت کردهای پ.ک.ک، حمایت خود را از ترکیه علیه آنان اعلام کرد. این مسئله همزمان با اعلام پ.ک.ک مبنی بر هدف قرار دادن اسرائیل، سبب تضعیف تعاملات میان کردها و اسرائیل شد.^(۹) با این وجود، علی‌رغم سردی روابط اسرائیل و کردها در دهه ۹۰ میلادی، ارتباط میان هر دو حزب اصلی کردستان عراق یعنی حزب دموکرات و اتحادیه میهنی با اسرائیل حفظ شد. در واقع این روابط در دو چهارچوب متفاوت یعنی در چهارچوب سوسیالیسم بین‌الملل و همچنین اقدامات سیاسی و استراتژیک کردها در راستای نزدیکی بیشتر آنان به امریکا تداوم یافت^۱ و سبب ارتباط نزدیک رهبران کرد و اسرائیل شد؛ به‌گونه‌ای که حتی چهار ماه قبل از حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، تیم‌های جاسوسی اسرائیل در شمال عراق مشغول جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی منطقه بودند.

تحولات نوین در کردستان عراق و تعاملات اسرائیل و کردها

با حمله امریکا به عراق و اشغال این کشور و تحرکات وسیع کردها در کسب امتیازات بیشتری از امریکا و دولت مرکزی عراق در شرایط جدید، روابط اسرائیل و کردها وارد مرحله حساس و سرنوشت‌سازی شده است. در واقع در دوره جدید، کردها برنده اصلی جنگ عراق هستند، زیرا آنان براساس قانون اساسی جدید، به‌دولت خودمختار کردستان جنبه مشروع و قانونی بخشیده‌اند، علاوه بر این برگزاری همه‌پرسی در کرکوک و احتمالاً الحاق آن به منطقه کردستان، استقلال اقتصادی را همراه با تصویب قانون نفت و تخصیص اختیاراتی به‌دولت محلی در زمینه استخراج، تولید یا صادرات نفت به آنان می‌دهد. بنابراین از نظر آنان زمینه لازم برای تحقق آرزوی ایجاد کردستان بزرگ به‌وجود آمده است. بر این اساس و با توجه به‌نیاز دولت مرکزی شیعی در همکاری با کردها برای حفظ قدرت سیاسی دولت فدرال، کردها از آزادی عمل بسیاری برخوردار شده‌اند. علاوه بر این، واگذاری امتیازات بسیاری به کردها از سوی امریکا در عراق جدید به‌سبب حمایت کردها از امریکا در تمام مراحل حمله به عراق نیز سبب شده است که کردها به‌قدرت بیشتری در عراق دست یابند. این مسئله عملاً کردها را در کنار شیعیان به‌نقطه ثقل تحولات عراق تبدیل کرده است.

از سوی دیگر منافع استراتژیک اسرائیل در کردستان عراق نیز سبب نزدیکی کردها و اسرائیل شده است. با توجه به‌مجموعه این عوامل، فعالیت‌های اسرائیل در کردستان عراق و روابط آن با کردها در چهارچوب منافع مشترک آنان و شرایط نوین سیاسی - امنیتی در عراق و منطقه، گسترش یافته و به‌اوج خود رسیده است. این مسئله تا حدی پیش رفته که بارزانی، رئیس منطقه کردستان علی‌رغم انکار هرگونه ارتباط آشکار یا مخفی با اسرائیل،

۱. حزب دموکرات کردستان به‌دلیل تشابه ساختار سیاسی سوسیالیستی آن با اسرائیل و اتحادیه میهنی از طریق تعاملاتش با امریکا توانسته‌اند روابط خود را با اسرائیل بهبود بخشند.

«رابطه با اسرائیل را نه جرم و نه تابو» دانسته و با این عنوان که «ما از عرب‌ها عرب‌تر نیستیم» از امکان ایجاد ارتباط با اسرائیل و ایجاد کنسولگری آن در اربیل در صورت برقراری روابط دیپلماتیک از سوی دولت فدرال خبر داده است. همچنین بارزانی اخیراً نیز همزمان با طرح شایعاتی مبنی بر ترور وی، مستقیماً به تل‌آویو و از آنجا به اروپا سفر کرده است. بنابراین با نزدیکی کردها و اسرائیل در شرایط جدید، اسرائیل فعالیت‌های بسیاری را در کردستان عراق آغاز کرده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

بررسی‌های علمی، تاریخی و بیولوژیک برای اثبات هم‌نژادی یهودیان و کردها

اسرائیلی‌ها تلاش می‌کنند تا از لحاظ تاریخی، این مسئله را که کردستان سرزمین و خاستگاه ملت یهود است را به‌اثبات رسانند. از نظر آنان یهودیان قبل از آنکه به سمت فلسطین بروند در کردستان می‌زیسته‌اند و کردهای کنونی عراق نیز هم‌نژاد با اسرائیلیان و باقی‌مانده آنان هستند. بر این اساس آنان ادعا می‌کنند که ملکه یهودی‌ها (عشتار موردخای) در منطقه اورامان کردستان و دانیال پیامبر نیز در کرکوک مدفون است و یک سده پیش از میلاد نیز در کردستان پادشاهی حکومت می‌کرده که سرزمین وی به نام آدیابان به پایتختی اربیل بوده است. اسرائیلی‌ها برای مستند کردن این ادعاها و یافتن آثاری از قوم یهود، هیئت‌هایی را به شهرهای مختلف عراق از جمله بابل اعزام کرده‌اند تا با حفاری‌های لازم، ریشه تاریخی یکسان کردها و یهودیان را به‌اثبات رسانند. به‌علاوه آنان با هماهنگی امریکایی‌ها با محاصره کامل شهر بابل در زمان اشغال آن، این شهر را منطقه بسته نظامی اعلام کردند تا بتوانند رگه‌هایی از حضور قوم یهود را به‌اثبات رسانند و همچنین آثار تاریخی عراق را به‌سرقت ببرند. از سوی دیگر، کارشناسان بیولوژیک اسرائیل نیز تلاش وسیعی را برای اثبات ارتباط ژنتیک میان کردها و یهودی‌ها انجام داده‌اند. این پژوهش‌ها که از گذشته با انجام آزمایش‌هایی میان اسرائیلی‌ها و سایر نژادها صورت گرفته است، در سال ۲۰۰۱ در مجله *The American Journal Of Genetics* با عنوان اینکه کردهای کردستان عراق به‌لحاظ ژنتیکی نزدیک‌ترین ملت به یهودی‌های سفاردی (یهودی‌های شرقی)، هستند چاپ شده است. مجموعه این اقدامات برای اثبات هم‌نژادی کردها و یهودیان و ایجاد ارتباط نزدیک میان آنان صورت گرفته است.^(۱۲)

تأکید اسرائیل بر بازبانی حقوق از دست رفته تاریخی خود در شمال عراق

از نظر اسرائیل در دولت باستانی یهود که شامل برخی از سرزمین‌های بابل نیز می‌شده است، مناطقی وجود داشته که در آنجا یهودیان زندگی می‌کرده‌اند و اکنون زمان بازگشت یهودیان به سرزمین آبا و اجدادی‌شان (در بابل در نزدیکی بغداد) است.^(۱۳) این مسئله به‌ویژه با وجود برخی مناطق یهودی‌نشین در شمال عراق از گذشته‌های دور و جمعیت ۴۰۰ هزار نفری کرد یهودی در این منطقه از اهمیت خاصی برخوردار بوده و سبب تقویت روابط دوجانبه شده است.

جمع‌آوری اسناد و مدارکی برای مطالبه حقوق از دست‌رفته کردهای یهودی از دولت مرکزی عراق

اسرائیل با پایان جنگ عراق برای بهبود اوضاع یهودیان عراق و حتی مهاجران کرد یهودی در اسرائیل، تلاش

کرده است تا با جمع‌آوری اسنادی در مورد جمعیت رو به کاهش یهودیان عراق، مطالبات آنان در زمینه صدها ملک و زمین را مستند کند. چنانچه در میان مدارک مذکور جزئیات مربوط به دارایی‌ها و املاک افراد منصوب به جمعیت یهودیان عراق که در سال ۱۹۹۸ میلادی توسط دادگاهی در عراق ضبط شده است، نیز وجود دارد. همچنین نقشه مربوط به اسکان افراد در خانه‌های یهودیان سابق و مدارک متعددی در مورد ازدواج و مرگ یهودیان در دوره زمانی بین ۱۹۴۹ تا ۲۰۰۱ میلادی، توسط مرکزی وابسته به «جمعیت آواره یهودی» برای تضمین بازپرداخت خسارت و اعاده املاک به آنان بررسی و جمع‌آوری شده است. این مدارک توسط رئیس کمیته وزیران اسرائیل «ناتان شارانسکی» بررسی شده و از رهبر کنونی یهودیان عراق در اسرائیل «موردخای بن پورات» نیز برای بررسی آن دعوت شده است.^(۱۴)

حضور مستقیم نیروهای اطلاعاتی - امنیتی و نظامی اسرائیل در کردستان

پس از اشغال عراق توسط آمریکا و با استفاده از فرصت جدیدی که در این کشور ایجاد شده است تاکنون بسیاری از عوامل اطلاعاتی و نظامی اسرائیل به کردستان وارد شده و مشغول فعالیت هستند. در این چهارچوب ۱۵۰ هزار یهودی به کردستان اعزام شده و در حوزه‌های مختلف به‌ویژه آموزش واحدهای کماندویی کرد سازمان‌دهی شده‌اند. این افراد که در میان آنان برخی از اعضای موساد نیز تحت پوشش بازرگان و به‌طور مخفی در کردستان فعالیت می‌کنند و بعضی از آنان حتی پاسپورت اسرائیلی نیز ندارند، به آموزش ۷۵ هزار پیش‌مرگ کرد به‌ویژه در کوه‌های قندیل کردستان مشغولند.^(۱۵) از سوی دیگر اسرائیل با آموزش گروه ۶۰ نفری از اکراد به‌نام «مارن ریشه» در اسرائیل برای انجام عملیات‌هایی مانند بمب‌گذاری، ترور و آدم‌ربایی عملاً حضور غیرمستقیم نظامی - امنیتی در عراق دارد، زیرا که نقش این گروه در آدم‌ربایی‌های مختلف در عراق، ترور مقامات و دولتمردان عراقی و آغاز جنگ در این کشور بسیار مهم است.^(۱۶)

حمایت نظامی و ارسال تجهیزات جنگی به کردستان عراق

اسرائیل علاوه بر حضور مستقیم نظامی، در تلاش برای ایجاد ارتش مشترک کردی - یهودی، موافقت کرده است تا دولت کرد را به‌موشک‌هایی از نوع «استینگر» (موشک‌های زمین به‌هوا) مجهز کند. علاوه بر این تل‌آویو، بر طراحی و ساخت فرودگاه‌های نظامی و غیرنظامی و آموزش نیروهای کرد در شمال عراق نظارت دارد. از سوی دیگر، برخی شرکت‌های وابسته به اسرائیل مانند «شرکت توسعه کردستان عراق» - که با علامت اختصاری KODO شناخته می‌شود نیز در قراردادهای تسلیحاتی کردستان عراق و فروش سلاح به دولت عراق نقش دارند.^(۱۷)

اعلام حمایت سیاسی از فعالیت کردهای عراقی

با گسترش تعاملات اسرائیل و کردها و دیدارهای پنهانی مقامات دوجانبه و حتی شایعاتی در مورد ارسال نامه‌ای از سوی جلال طالبانی و مسعود بارزانی برای آریل شارون، نخست‌وزیر وقت اسرائیل،^۱ مقامات سیاسی و امنیتی

۱. این مسئله توسط رهبران کرد تکذیب شده است.

اسرائیل حمایت خود را از فعالیت‌های کردهای عراقی در راستای استقلال سیاسی و ایجاد کردستان بزرگ اعلام کرده‌اند. چنانچه در دیدار یک مقام عالی‌رتبه موساد در شمال عراق با مسعود بارزانی بر حمایت اسرائیل از چهار موضوع زیر تأکید شده است:

- (۱) فدراتیو بودن کردستان از لحاظ نژادی و جغرافیایی؛
 - (۲) اعطای اعتبارات بیشتر به کردها در راستای خرید خانه‌های اعراب منطقه با هدف خروج آنان از کرکوک؛
 - (۳) تلاش برای بازگشت کردهای ساکن اسرائیل به عراق که خواهان بازگشت به عراق هستند؛
 - (۴) تلاش برای تبادل نظر در مورد دیدگاه کشورهای کردنشین در قبال فدراسیون کردستان.
- از سوی دیگر با سفر بارزانی به تل‌آویو، ملاقات طالبانی با باراک در کنفرانس سازمان جهانی سوسیالیست در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۸ و همچنین دیدار رسمی آلوسی - عضو پارلمان عراق - و یا حضور داوود باغستانی - از سیاستمداران کردستان عراق - در جشن شصتمین سالگرد تأسیس اسرائیل و ... معاملات رسمی دوجانبه کردها و اسرائیل تقویت شده است.

حمایت مالی از کردها برای خرید زمین در منطقه کردستان

اسرائیل تلاش می‌کند تا با حمایت از کردها زمینه گسترش نفوذ خود در کردستان را از طریق خرید زمین‌های عربی از صاحبانشان توسط کردها به‌وجود آورد. در این راستا بانک قرض‌الحسنه‌ای با اعتبارات اسرائیلی، وام‌های کلانی را به کردها در منطقه برای خرید زمین‌های اعراب اختصاص داده است. علاوه بر این، شرکت‌های یهودی و اسرائیلی نیز به‌طور مستقیم، مساحت زیادی از اراضی عراق و اماکن حساس آن به‌ویژه در اربیل یا در مناطق نزدیک مرزهای عراق با کشورهای همجوار از جمله در نزدیکی دجله و فرات را خریداری کرده‌اند. در این زمینه آنان حتی با پرداخت پنج برابر قیمت واقعی زمین، تلاش بسیاری برای خرید اراضی کرکوک دارند. اهمیت کرکوک از نظر آنان، علاوه بر نفت، جنبه معنوی و تاریخی این شهر و وجود مقام سه پیامبر در آن است که عملاً این شهر را به بیت‌المقدس دوم تبدیل کرده است.

فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های اسرائیلی در کردستان عراق

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حضور و فعالیت اسرائیل در منطقه کردستان عراق، از طریق فعال شدن عملیات سرمایه‌گذاری اقتصادی و حضور شرکت‌های اسرائیلی در این منطقه است. این مسئله با آغاز فعالیت شرکت‌های صهیونیستی در پوشش شرکت‌های تجاری و سازمان‌های غیردولتی ثبت شده در سایر کشورها تقویت شده است.^(۱۸) گرایش اصلی این شرکت‌ها، فعالیت در حوزه امور زیربنایی، بازاریابی و معاملات تجاری است. در این راستا اسرائیل با راه‌اندازی برخی کارخانه‌های صنعتی در زیرساخت‌های صنعتی، کشاورزی و حمل‌ونقل عراق نیز فعال شده است. به‌گونه‌ای که هم‌اکنون ۱۵ شرکت اسرائیلی به‌شکل مستقیم یا غیرمستقیم در عراق فعالیت می‌کنند. در این زمینه ۵

شرکت دان^۱ در زمینه اتوبوس‌های قدیمی، رویتتکس^۲ در زمینه تولید جلیقه‌های ضدگلوله، تومی^۳ در زمینه پاکسازی آب آشامیدنی، تیمور^۴ در زمینه تولید رنگ و چریدنت^۵ در زمینه تولیدات صنعتی قراردادهای ساخت تعمیرات را با دولت عراق امضا رسانده‌اند.^(۱۹) علاوه بر این در این زمینه یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های اسرائیل در کردستان، پروژه مرکز بازرگانی اربیل است که با هزینه‌ای معادل ۵۰۰ میلیون دلار به‌اجرا گذاشته شده و برای این منظور حکومت محلی اداره اربیل نیز منازل و مغازه‌های مردم کرد را تخریب و به‌سرمایه‌داران اسرائیلی تحویل داده است.^(۲۰) علاوه بر این اسرائیل با سرمایه‌گذاری و فعالیت در دو واحد بزرگ کارخانه مشروب‌سازی در مناطق تحت سلطه کردستان عراق، به‌ساخت انواع مشروبات الکلی (۱۷ نوع مشروب با مارک بین‌المللی) مشغول بوده و با مواد اولیه و پشتیبانی مالی و تدارکاتی ترکیه و آلمان، محصولات کارخانه را به‌همراه اسلحه به‌مرزهای ایران نیز قاچاق می‌کند. از سوی دیگر، اسرائیل فعالیت وسیعی را برای سرمایه‌گذاری و فعالیت در حوزه نفتی کرکوک آغاز کرده است، به‌طوری که بازرانی دو قرارداد اکتشاف و استخراج نفت با یک شرکت کانادایی و یک شرکت نروژی - که در اصل اسرائیلی هستند - منعقد کرده است.^(۲۱) همچنین اسرائیل تلاش‌هایی را برای راه‌اندازی مجدد خط لوله نفت موصل - حیفا آغاز کرده است.

فعالیت‌های جاسوسی اسرائیل در عراق

ارتباطات مستحکم و طولانی مدت سرویس اطلاعاتی اسرائیل با عشایر ناحیه بارزان طی سال‌های پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران که با مشارکت ساواک پیگیری می‌شد، هم‌اکنون براساس مستندات فراوان موجود، به‌صورت پنهانی تداوم یافته است. این روابط به‌ویژه در چهارچوب تحولات منطقه‌ای و تشدید دغدغه‌های امنیتی اسرائیل و افزایش قدرت مانور کردها و امکان تأثیرگذاری بر چهار کشور مهم کردنشین منطقه از اهمیت بیشتری برخوردار شده است.^(۲۲)

در این زمینه، اسرائیل علاوه بر اعزام تیم‌های اطلاعاتی و جاسوسی موساد به‌کردستان عراق، با افتتاح شعبه‌ای از مؤسسه صهیونیستی میمری در بغداد، با هدف بررسی و تحقیق درباره جنبش‌ها و جریان‌های فعال کشورهای منطقه و آگاه‌سازی دولت اسرائیل از کلیه فعالیت‌هایی که درباره اسرائیل، امریکا و سایر کشورهای غربی در مراکز فرهنگی و رسانه‌های گروهی و الکترونیکی جهان عرب انجام می‌شود، فعالیت وسیع جاسوسی از کشورهای همسایه را تحت پوشش این شرکت و شرکت‌های دیگر آغاز کرده است. این فعالیت‌ها به‌صورت پنهانی و در مواردی تحت پوشش خبرگزاری‌های اسرائیلی در کردستان صورت می‌گیرد. از سوی دیگر اسرائیل با حضور در مناطق مرزی کردستان و همسایگان آن به‌ویژه ایران، این منطقه را به‌پایگاه جاسوسی علیه فعالیت‌های این دولت‌ها به‌ویژه برنامه هسته‌ای ایران تبدیل کرده است.

1. Dan
2. Rainteks
3. Tomy
4. Taymur
5. Schrident

فعالیت سازمان دهی شده اسرائیل برای الحاق کرکوک به کردستان عراق

اسرائیل در راستای منافع استراتژیک خود در تحقق کردستان بزرگ علاوه بر حمایت‌های مالی در خرید اراضی اعراب ساکن کرکوک یا تحریک کردها به خارج ساختن اعراب و ترکمن‌ها از این شهر، تلاش وسیعی را برای بازگرداندن کردهای یهودی به کرکوک و افزایش آمار آنان در سرشماری این شهر انجام می‌دهد. در این راستا برای جابه‌جایی جمعیتی و تغییر بافت جمعیتی شهر کرکوک از زمان اشغال عراق تاکنون، کردها از مناطق مختلف به این شهر سرازیر شده‌اند و با ترساندن ترکمن‌ها و اعراب یا حتی اعطای ۱۵ هزار دلار و یک قطعه زمین در شهرهای دیگر عراق به خانواده‌های عربی که به‌طور داوطلبانه از کرکوک خارج شوند، درصد الحاق آن به منطقه کردستان هستند.

منافع استراتژیک روابط دوجانبه اسرائیل و کردها

روابط اسرائیل و کردها علاوه بر جنبه‌های آرمان‌گرایانه و تبلیغاتی مانند احساس مشترک حبس و آوارگی، حق تعیین سرنوشت، ضدیت با اعراب، بهبود اوضاع کردهای یهودی یا اشتراکات ژنتیکی و نژادی کردها و یهودیان و لزوم به‌دست آوردن حقوق از دست رفته تاریخی آنان و ... منافع استراتژیک بسیاری را برای دو طرف به‌همراه دارد. بر این اساس روابط آنان بر پایه مقدمات و محذورات واقع‌گرایانه دو طرف بنا شده است. همپوشانی منافع روابط دوجانبه آنان تا حدی پیش رفته که در واقع نوعی اتحاد طبیعی میان آنان به‌وجود آمده است. اتحاد طبیعی در روابط بین‌الملل در حالتی به‌وجود می‌آید که دو یا چند دولت در یک منطقه خاص، دارای منافع مشترکی هستند ولی به‌دلیل آنکه خواست‌ها و منافع یکی از طرفین توسط دیگری تأمین می‌شود، دولت دیگر، ضرورتی نمی‌بیند که خود را از لحاظ نظامی یا اقتصادی رسماً به‌دیگری متعهد کند. در این معنا، دستیابی کردها به اهدافشان در عراق و در منطقه، منافع اسرائیل را نیز محقق می‌سازد (و بالعکس). با وجود این، تلاقی منافع حیاتی و استراتژیک دو طرف، سبب ایجاد نوعی اتحاد همه‌جانبه و استراتژیک میان اسرائیل و کردها شده است. این روابط تنها به‌دلیل حساسیت‌های داخلی در عراق و نگرانی‌های دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در مقابل این روابط، به‌طور مخفیانه و پنهانی در حال گسترش است و انتشار اخبار بسیار مبهم و ناچیزی از آن نیز به‌سبب تهدید جدی منافع حیاتی سایر کشورهای منطقه و نگرانی آنان با بزرگنمایی منعکس شده است. در این میان مهم‌ترین منافع حیاتی اسرائیل از ایجاد اتحاد استراتژیک با کردها در کردستان و تلاش برای دستیابی آنان به استقلال عبارتند از:

تجزیه عراق

اسرائیل با افزایش ارتباطات با کردها و حضور خود در شمال عراق و کمک به استقلال آنان تلاش می‌کند تا عراق را به‌عنوان یکی از کشورهای عمده عربی تجزیه کند. در واقع از آنجا که عراق یکپارچه خطری برای امنیت ملی اسرائیل بوده و این کشور پیشینه تاریخی بسیاری در سیاست‌های ضداسرائیلی دارد، تجزیه عراق به‌معنای نابودی یا تضعیف یکی از دشمنان مهم اسرائیل در منطقه، افزایش توان بازیگری و نفوذ اسرائیل در خاورمیانه و تضعیف

جبهه عربی در قبال روند صلح خاورمیانه و سیاست‌های اسرائیل در منطقه می‌باشد.

کردستان، متحد جدید اسرائیل در منطقه

استراتژی اتحاد پیرامونی اسرائیل که با عنوان دکترین بن‌گورین شناخته می‌شد (ایجاد ارتباط با دولت‌های غیرعرب پیرامون دولت‌های عربی خاورمیانه) و بر ضرورت همکاری اسرائیل با ایران، ترکیه و اتیوپی تأکید می‌کرد، امروزه به‌عنوان دکترین شیمون پرز یعنی ایجاد ارتباط با کردها مطرح شده است. این استراتژی مبتنی بر دیدگاه واقع‌گرایانه «دشمن دشمن من، دوست من است» می‌باشد. بر این اساس اعراب، ایرانیان و ترک‌ها دشمن مشترک اسرائیل و کردها هستند و از اینرو همکاری میان آنان در راستای منافع مشترک‌شان ضروری است. بنابراین اسرائیل با کمک به‌استقلال کردها در واقع تلاش می‌کند تا به‌ظهور کردستان به‌عنوان متحد جدید خود در خاورمیانه دست یابد. این مسئله با توجه به‌انزوای کردستان و اسرائیل در میان همسایگان و منافع دوجانبه اتحاد آنان در مقابله با دشمن مشترک‌شان اجتناب‌ناپذیر است. لذا اسرائیل، کردستان را به‌عنوان نقطه اتکایی علیه اعراب و دولت‌های اسلامی و متحد استراتژیک خود در منطقه می‌داند.

دستیابی به منابع نفتی کردستان عراق و انتقال آن به اسرائیل

وجود ۱۰ درصد نفت عراق در استان تمیم که سبب اهمیت کرکوک برای گروه‌های داخلی عراق و کشورهای منطقه شده است، از نظر اسرائیل نیز مسئله بسیار حیاتی و مهمی تلقی می‌شود. بنابراین اسرائیل تلاش می‌کند تا با ایجاد روابط نزدیک با کردها و سرمایه‌گذاری در میداین نفتی کرکوک، به‌نفت این منطقه - که میزان آن در آینده با عملیات‌های اکتشافی جدید ممکن است تا ۴۵ میلیارد بشکه افزایش یابد - دسترسی داشته باشد. از سوی دیگر اسرائیل امیدوار است تا با ایجاد ارتباط با کردها و استفاده از اختیارات دولت محلی کردستان در قانون جدید نفت عراق، زمینه انتقال نفت این منطقه به‌اسرائیل، از طریق خط لوله کرکوک - حیفا که از سال ۱۹۴۸ تاکنون متوقف مانده است را به‌وجود آورد.

هیدروپلیتیک اسرائیل در خاورمیانه و دسترسی آن به منابع آب در منطقه

کردستان عراق یکی از سرمایه‌های غنی منابع آب در خاورمیانه است و در بحران آینده خاورمیانه (بحران آب) نقش مهمی در اجرای استراتژی اسرائیل در منطقه دارد. بنابراین کردستان عراق امکان دستیابی اسرائیل به‌دجله و فرات را به‌وجود آورده و با ایجاد کردستان بزرگ نیز کنترل منابع آبی خاورمیانه در اختیار اسرائیل قرار می‌گیرد. این مسئله از سویی به‌معنای تحقق آرمان نیل تا فرات اسرائیل می‌باشد و از سوی دیگر اهرم فشاری علیه دولت‌های منطقه به‌ویژه ترکیه، سوریه و عراق نیز محسوب می‌شود.

کردستان چالشی برای مثلث اسرائیل ستیز خاورمیانه

با توجه به‌پراکندگی کردها در چهار کشور خاورمیانه، تقویت آنان در منطقه و گسترش فعالیت‌های جدایی‌طلبانه

و استقلال‌خواهانه آنان، سبب ایجاد بحران در امنیت ملی این کشورها و درگیر شدن آنان به‌مسائل داخلی شده و فضای بازی این کشورها در نظام منطقه‌ای را محدود می‌کند. این مسئله عملاً سبب تضعیف ایران، سوریه و عراق که دشمنان منطقه‌ای اسرائیل هستند، می‌شود و کاهش مبارزه آنان با اسرائیل در منطقه، در پرتو ضرورت توجه به‌مسئله امنیت ملی این کشورها در قبال اقلیت کرد را به‌دنبال دارد. به‌عبارت دیگر اسرائیل تلاش می‌کند تا با بحران‌سازی در منطقه، مدیریت بحران در خاورمیانه را به‌دست آورد. از سوی دیگر ارتباط اسرائیل با کردها، اهرم فشار مناسبی را برای تحدید سیاست‌های این دولت‌ها در خاورمیانه، در اختیار اسرائیل می‌گذارد.

کردستان کانون نفوذ در خاورمیانه

اتحاد اسرائیل با کردها زمینه نفوذ بیشتر آن در منطقه را به‌وجود می‌آورد. این نفوذ که به شکل‌های مختلف مانند نفوذ سیاسی، اقتصادی، امنیتی می‌باشد، از طریق حضور مستقیم نیروهای سیاسی - نظامی و امنیتی اسرائیل در کردستان، جاسوسی آنان علیه سوریه، عراق، ترکیه و به‌ویژه ایران و با استقرار دستگاه‌های جاسوسی در مرزهای کردستان بزرگ، نفوذ در سیستم اقتصادی منطقه با مشارکت در پروژه‌های اقتصادی کردستان تحقق می‌یابد. به‌عبارت دیگر، اسرائیل با نزدیک شدن به کردها، در ایران، عراق، سوریه و ترکیه برای خود چشم و گوش به‌دست می‌آورد. از سوی دیگر، اسرائیل تلاش می‌کند تا با یافتن نقطه اتکایی در کردستان عراق از وابستگی مطلق به ترکیه برای گسترش عمق استراتژیک خود در شمال خاورمیانه بکاهد.^(۲۴)

کردستان بزرگ محور گسترش دموکراسی سکولار در منطقه

کردستان دروازه ورود لیبرال دموکراسی امریکایی به‌خاورمیانه محسوب می‌شود. این مسئله که در چهارچوب دموکراتیزاسیون در خاورمیانه یا پروژه خاورمیانه بزرگ امریکا در منطقه مطرح شده است از طریق کردستان که حساسیت‌های ایدئولوژیک کمتری در تقابل با لیبرال دموکراسی دارد، محقق می‌شود. با ورود دموکراسی لیبرال به‌خاورمیانه الگوهای سنتی حکومتی با چالش مواجه شده و با تقویت دیدگاه‌های رئالیستی در ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه، جایگاه اسرائیل در منطقه تقویت می‌شود.

دغدغه کردستان و افزایش قدرت چانه‌زنی

موضوع ایجاد کردستان بزرگ یا دغدغه استقلال‌طلبی کردها در منطقه و از بین رفتن تمامیت ارضی عراق که دروازه شرقی جهان عرب محسوب می‌شود، زمینه توجه افکار عمومی خاورمیانه به‌آن و تضعیف نقش محوری مسئله فلسطین در افکار عمومی اعراب را به‌وجود می‌آورد. از سوی دیگر، ارتباط نزدیک کردها و اسرائیل، به‌افزایش توان مانور و قدرت چانه‌زنی اسرائیل در مذاکرات روند صلح در خاورمیانه کمک می‌کند. علاوه بر این مسئله کردستان امکان برون‌فکنی مشکلات داخلی اسرائیل مانند بحران‌های هویت، مشروعیت، کارآمدی، گسست نسل‌ها و... را به‌وجود آورده و به‌تضعیف جریان پست صهیونیست نیز کمک می‌کند. زیرا که با وجود بحران‌های

خارجی، امکان بسیج افکار عمومی داخلی و توجیه سیاست‌های صهیونیستی تسهیل می‌شود.

کردستان عراق و توازن قوا در منطقه

تقویت کردها و ایجاد کردستان بزرگ در خاورمیانه سبب برقراری موازنه قوا میان ایران و اسرائیل، اعراب و اسرائیل و حتی توازن قوا در درون عراق می‌شود. در واقع از سویی تقویت کردها و به‌ویژه تعلیم پیش‌مرگ‌های کرد یا اعضای گروه پژاک توسط اسرائیل، سبب ایجاد منطقه حائل میان ایران و اسرائیل یا خاکریزی علیه ایران در کردستان می‌شود و امکان جنگ نیابتی مانند جنگ حزب‌الله علیه اسرائیل را در مرزهای ایران به‌وجود می‌آورد. همچنین این گروه‌ها، نیروی متعادل‌کننده‌ای در برابر گروه‌های مسلح شیعه به‌خصوص آنان که مخالف حضور اسرائیل در منطقه هستند، نیز محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، با تضعیف عراق، جبهه عربی ضداسرائیل کم‌رنگ شده و با تقویت کردستان و اتحاد استراتژیک آن با اسرائیل در قلب جهان عرب، اسرائیل به‌صورت نیابتی در همسایگی کلبه کشورهای منطقه قرار گرفته و با اهرم فشار امریکا و کردستان بزرگ، آنان را مجبور به پذیرش سیاست‌های اسرائیل در خاورمیانه می‌کند. علاوه بر این، تقویت جایگاه کردها در عراق - حتی در صورت عدم استقلال کردستان عراق و عدم ایجاد کردستان بزرگ - سبب برقراری توازن نیرو در عراق می‌شود. در واقع تقویت پیش‌مرگ‌های کرد با توجه به جمعیت ۷۵ هزار نفری آنان که از تعداد نیروهای شبه‌نظامی شیعه و سنی در عراق بیشتر است، سبب برقراری توازن در برابر شبه‌نظامیان شیعه و سنی می‌شود. از سوی دیگر حضور پررنگ پیش‌مرگان کرد در ارتش ملی عراق نیز به‌توازن قوای نظامیان شیعه و سنی در عراق منجر می‌شود و امکان نفوذ و فعالیت اسرائیل از طریق آنان در عراق را میسر می‌سازد. علاوه بر این وجود کردهای یهودی در عراق نیز امکان مداخله خارجی (اسرائیل) را در این کشور به‌وجود می‌آورد.

تقویت جریان‌های کردی و پایان بحران امریکا در عراق

فهم عدم توانایی دولت امریکا در ایجاد یک عراق با ثبات و دموکراتیک از سوی مقامات اسرائیل در سال ۲۰۰۴ میلادی سبب ارائه طرح B در راستای حفظ منافع اسرائیل در خاورمیانه شد. براساس این طرح اسرائیل تلاش مضاعفی را برای نزدیکی بیشتر به کردها برای کاهش زیان‌های ناشی از جنگ به‌منافع استراتژیک اسرائیل در خاورمیانه آغاز کرد.^(۲۶) توسعه این تعامل نزدیک و نفوذ در عراق، سبب افزایش پتانسیل تأثیرگذاری اسرائیل بر عراق و در سطح کلان‌تر بر منطقه خاورمیانه شده و امکان مهار بحران یا بحران‌آفرینی برای مدیریت بحران و خروج از آن را در سیاست خارجی امریکا در قبال عراق به‌وجود آورده و کردستان را به‌فیلپین آینده برای امریکا در خاورمیانه تبدیل کرده است. از سوی دیگر، اسرائیل با تعلیم پیش‌مرگ‌های کرد، امکان انجام اقداماتی مانند نفوذ، جمع‌آوری اطلاعات و کشتن رهبران گروه‌های مهاجم شیعه و سنی عراق را که کماندوهای امریکایی نتوانسته‌اند انجام دهند، به‌دست آورده و از این طریق امکان خروج از بحران عراق را برای امریکا تسهیل کرده است.

کردستان بزرگ و سناریوی بالکانیزه کردن خاورمیانه و ایجاد اسرائیل بزرگ

تقویت جریان‌های جدایی‌طلب و گریز از مرکز در خاورمیانه و ایجاد بی‌ثباتی در منطقه و در نهایت تشکیل دولت‌های

ضعیف، ناتوان، بی ثبات، سرخورده و نابسامان در منطقه، سناریوی ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه یا استراتژی خاورمیانه جدید است. بر این اساس با تجزیه عراق و ایجاد کردستان بزرگ و تکرار تجربه یوگسلاوی در منطقه و تضعیف دولت‌های خاورمیانه، زمینه‌های ایجاد اسرائیل بزرگ در منطقه با حمایت امریکا فراهم می‌شود. مرزهای موهوم اسرائیل بزرگ و آرمانی در شکل مقابل ترسیم شده است.

محدوده مرزهای اسرائیل بزرگ



کردستان عراق و تغییر راهبردی اتحاد استراتژیک ترکیه - اسرائیل

اگرچه ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۶ میلادی ائتلاف استراتژیکی را در منطقه پیگیری کرده‌اند، اما وجود برخی اختلافات میان آنان و همچنین ابزارهای اعمال قدرت ترکیه بر اسرائیل به‌ویژه در قبال بحران آب^۱ یا تحولات نوین در منطقه مانند پیروزی جریان اسلام‌گرا و افزایش قدرت ملی ترکیه سبب شده است تا اسرائیل با تقویت جریان کردی به دنبال جبران نقاط آسیب‌پذیری اسرائیل از ترکیه و تضعیف آن برآید تا از تبدیل شدن ترکیه به رقیب اسرائیل در خاورمیانه جلوگیری کند. با این وجود، اسرائیل تمایلی به نزدیکی ترکیه، ایران و سوریه به بهانه ارتباط اسرائیل و کردها ندارد و لذا اگرچه از منافع بسیاری با همکاری استراتژیک با کردستان و ایجاد کردستان بزرگ

۱. حنماق کردنشین ترکیه سرچشمه رودخانه‌های مهمی چون دجله و فرات و رودخانه ارس می‌باشد.

در خاورمیانه بهره‌مند می‌شود. اما همواره روابط خود با کردها را به دلیل حساسیت‌های منطقه‌ای پنهان ساخته و انکار کرده است.

پیامدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعاملات فزاینده اسرائیل و کردستان

روابط اسرائیل و کردها و تحولات کنونی کردستان عراق، امروزه به یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاسی - امنیتی در منطقه خاورمیانه تبدیل شده است. این مسئله به سبب پیامدهای بسیار مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن در کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است. مهم‌ترین پیامدهای تعاملات اسرائیل و کردستان عبارتند از:

تشدید فعالیت گروه‌های ناسیونالیست کردی پ.ک.ک و پژاک و تمایلات تجزیه‌طلبانه در منطقه

تحولات اخیر در منطقه کردستان عراق و ایجاد دولت خودمختار کرد در منطقه کردنشین این کشور، زمینه و فضای مناسبی را برای فعالیت گروه‌های جدایی‌طلب و گریز از مرکز در منطقه به وجود آورده است. این مسئله سبب تشدید اقدامات این گروه‌ها به‌ویژه پ.ک.ک در مقابله با دولت ترکیه و اقدامات متقابل دولت این کشور شده است. در این میان حمایت اسرائیل از پ.ک.ک و پژاک عامل مهمی در گسترش روزافزون فعالیت این گروه‌ها می‌باشد. از سوی دیگر با گسترش تقویت هویت کردی و فعالیت گروه‌های مسلح کرد در منطقه و تلاش آنان برای کسب استقلال سیاسی که با حمایت پنهان اسرائیل صورت می‌گیرد، بحران‌های جدیدی در منطقه مانند تشدید اختلافات ارضی و مرزی و ایجاد روند تجزیه‌طلبی در خاورمیانه در حال شکل‌گیری است.

تیرگی روابط ترکیه و اسرائیل

افشای ابعاد مبهم و محدودی از روابط اسرائیل و کردها در پرتو تحولات جدید در عراق و به‌ویژه در منطقه کردستان آن، حساسیت‌هایی را برای دولت‌های منطقه به وجود آورده است. در این میان ترکیه از یکسو از دهه ۱۹۹۰ میلادی روابط استراتژیکی با اسرائیل برقرار کرده و از سوی دیگر به دلیل جمعیت ۲۰ میلیونی کردهای ترکیه و فعالیت پ.ک.ک در مرز این کشور با عراق، نگران آینده روابط اسرائیل با کردهاست. این مسئله سبب شده است تا با گسترش فعالیت‌های مخفیانه اسرائیل در شمال عراق و حمایت غیرصریح آن از تشکیل یک دولت کردی، روابط استراتژیکی ترکیه و اسرائیل سردتر شود.^(۳۷) از اینرو ترکیه علاوه بر اطلاع وزارت خارجه اسرائیل از نگرانی دولتش از فعالیت‌های اسرائیل در کردستان، اقدام به اتخاذ برخی سیاست‌های جدید منطقه‌ای کرده است که برخلاف اهداف اسرائیل هستند. از جمله گالیپ‌های مؤکد ترکیه از حملات موشکی اسرائیل به غزه، فراخوانی سفیر ترکیه در اسرائیل برای مشورت درباره چگونگی احیای روند صلح خاورمیانه، اعلام برنامه‌ریزی دولت ترکیه برای تقویت روابط با تشکیلات خودگردان، مذاکره با دیپلمات‌های خاورمیانه درباره نگرانی از اسرائیل، گسترش روابط

با ایران و سوریه و همچنین تلاش آن برای افزایش توان بازیگری در منطقه و نظام بین‌الملل در این چهارچوب قابل بررسی است.^(۲۸)

افزایش حساسیت دولت‌های منطقه‌ای به تحولات عراق و مسئله کردستان

دولت‌های عرب منطقه که حفظ هویت سنی و عربی عراق و تمامیت ارضی آن را به‌عنوان اولین اولویت سیاست خارجی خود در عراق برگزیده‌اند، گسترش روابط اسرائیل و کردها را برخلاف منافع ملی خود می‌دانند. در واقع اعراب که مخالف جدی خودمختاری و استقلال کردستان هستند، روابط اسرائیل و کردها را تهدیدی برای هویت عربی و منافع اعراب در منطقه می‌دانند. از سوی دیگر ایران نیز با نگرانی از گسترش حوزه نفوذ اسرائیل در منطقه و همسایگی آن با ایران از طریق کردستان و تحریک تمایلات ناسیونالیستی کردی و تهدید امنیت ملی ایران، تحولات کردستان را با حساسیت پیگیری می‌کند. حساسیت و واکنش دولت ترکیه در قبال تحولات عراق و به‌ویژه گسترش فعالیت‌های گروه‌های کردی و روابط اسرائیل با کردها، به‌مراتب بیشتر از سایر دولت‌های منطقه است. از اینرو آنان در دو سطح دیپلماتیک و نظامی با اقداماتی مانند چانه‌زنی با دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال کردستان، قانون نفت عراق، مسئله کرکوک و گسترش فعالیت‌های تروریستی پ.ک.ک و برگزاری اجلاس استانبول یا تهدیدهای مکرر به‌حمله نظامی به‌شمال عراق واکنش نشان داده‌اند. از سوی دیگر با افزایش حساسیت دولت‌های منطقه به‌تعاملات اسرائیل با کردها، سیاست‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای آنان درباره انواع همکاری‌های پنهان کردها و اسرائیل در منطقه تشدید شده و تلاش می‌شود تا از این طریق با تحریک افکار عمومی منطقه، از گسترش تعاملات کردها با اسرائیل جلوگیری شود.

تقویت مناسبات سیاسی - امنیتی ایران، ترکیه و سوریه

با گسترش روابط اسرائیل با کردها و تضعیف ائتلاف اسرائیل با ترکیه، همکاری‌های سیاسی - امنیتی سه کشور ایران، ترکیه و سوریه افزایش یافته است. در این میان ترکیه و سوریه که سال‌های متمادی با یکدیگر اختلاف داشته و گاهی نیز تا آستانه جنگ پیش رفته‌اند و همچنین ایران و ترکیه که همواره رقبای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه‌ای با یکدیگر بوده‌اند، در راستای دغدغه‌ها و نگرانی‌های مشترک در قبال کردها به‌هم نزدیک شده‌اند و ترکیه در راستای افزایش نفوذ خود در خاورمیانه، میانجیگری میان ایران و امریکا و همچنین سوریه و اسرائیل را در دستور کار خود قرار داده است. در این میان ترکیه اگرچه در سیاست خارجی خود همواره تلاش می‌کند تا با دوری‌گزیدن و بیگانه ساختن خود از خاورمیانه، استانداردهای لازم را برای عضویت در اتحادیه اروپا به‌دست آورد، اما تحولات سیاسی و امنیتی عراق به‌ویژه در کردستان این کشور و تأثیر مستقیم آن بر امنیت ملی و تمامیت ارضی ترکیه، سبب توجه خاص آن به‌مسئله کردستان و ضرورت تعامل با دولت‌های منطقه به‌ویژه اعراب شده است. در واقع ترکیه اگرچه در ابتدا به‌دنبال ایجاد جبهه مشترک ایرانی - ترکی - سوری در قبال مسائل کردستان و گسترش روابط اسرائیل و کردها بود، اما سیاست‌های متفاوت ایران و ترکیه درباره تحولات عراق و

نوع تعامل با کردها، سبب نزدیکی سیاست‌های ترکیه به کشورهای عرب منطقه مانند عربستان، اردن و مصر شده است. این مسئله به سبب روابط نزدیک ایران با شیعیان عراق و ائتلاف آنان با کردها یا تصور متفاوت دو کشور در مورد میزان تهدید سیستم فدرالی عراق، به وجود آمده است. از اینرو ترکیه از جهت گیری‌های عربستان در خصوص تقویت جایگاه اهل سنت در عراق و کاهش وزن سیاسی کردها و شیعیان حمایت کرده و سیاست همخوانی را با اعراب در قبال تعدیل قانون اساسی عراق پیگیری می‌کند.^(۲۹)

مسابقه تسلیحاتی میان دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق

تحولات سیاسی - امنیتی عراق و ناکامی دولت امریکا در برقراری ثبات و امنیت در این کشور و تقویت جایگاه و نقش شیعیان و کردها در ساختار سیاسی عراق و همچنین روابط اسرائیل و کردها سبب تشدید مسابقه تسلیحاتی میان گروه‌های شیعه، سنی کرد و ترکمن در عراق شده است. به گونه‌ای که دولت‌های عربی که دغدغه حفظ هویت سنی عربی عراق را دارند به مسلح کردن شبه‌نظامیان سنی پرداخته‌اند و ترکیه نیز با نگرانی از وضعیت کرکوک و حمایت اسرائیل از کردها، درصدد تقویت ترکمان‌های این شهر برآمده است. از سوی دیگر امریکا نیز در راستای منافع خود به حمایت سیاسی و نظامی از تمامی گروه‌های عراقی به‌ویژه شبه‌نظامیان شیعه سکولار و میانه‌رو ادامه می‌دهد و اسرائیل نیز با حمایت نظامی از کردها و ارسال تجهیزات نظامی به منطقه، به دنبال نفوذ بیشتر خود در عراق می‌باشد. مجموعه این عوامل سبب ظهور مسابقه تسلیحاتی پنهانی در عراق شده که تبعات سیاسی، امنیتی و اجتماعی بسیاری در آینده این کشور به دنبال خواهد داشت.

افزایش شدت جنگ نیابتی امریکا و اسرائیل با ایران در منطقه کردستان

با حمله امریکا به عراق و تحولات پس از آن در منطقه به‌ویژه در کردستان عراق، سیاست خارجی امریکا و اسرائیل در قبال ایران ابعاد جدیدی به خود گرفته است. در این میان تشدید حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی امریکا و به‌ویژه اسرائیل از گروه‌های مسلح کردی (پ.ک.ک و پژاک) و آموزش آنان در کوه‌های قندیل کردستان عراق توسط اسرائیل، تهدید امنیتی جدیدی را در منطقه علیه ایران به وجود آورده است. از سوی دیگر، حمایت آشکار امریکا از گروه پژاک و اطلاق نام «مبارزان آزادی» به آنان و تقویت توان نظامی و عملیاتی پژاک در راستای شبیه‌سازی مدل حزب‌الله لبنان در برابر اسرائیل در منطقه کردستان عراق علیه ایران، جنگ نیابتی اسرائیل و امریکا با ایران را تشدید کرده و هزینه‌های امنیتی فراوانی را بر ایران تحمیل کرده است.^(۳۰)

تداوم و تشدید بحران‌های منطقه‌ای در خاورمیانه

تحولات کردستان عراق و به‌ویژه گسترش تعاملات اسرائیل و کردها، سبب ظهور، تداوم و تشدید بحران‌های مختلفی در خاورمیانه شده و چشم‌انداز بحران‌های نوینی در منطقه را نیز آشکار ساخته است. در این میان اختلافات قومی، مذهبی و فرقه‌ای در عراق درباره مسائلی مانند کردستان عراق، قانون نفت، همه‌پرسی کرکوک، تجزیه

عراق یا تشدید فعالیت گروه‌های مسلح تروریستی در این کشور ادامه داشته و بر نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در راستای تأمین اهدافشان در عراق و در منطقه نیز دامن زده است. از سوی دیگر نگرانی دولت‌های منطقه از ایجاد اسرائیل دومی در کردستان عراق و بحران‌هایی مانند گسترش روند تجزیه‌طلبی در منطقه، بحران آب، تشدید مسابقه تسلیحاتی و جنگ سرد در منطقه یا آغاز درگیری‌های نظامی و بحران‌های سیاسی و امنیتی جدید در خاورمیانه نیز افزایش یافته است.

تغییر تاکتیکی استراتژی امریکا در قبال کردستان

گسترش روابط اسرائیل با کردها و افزایش فعالیت گروه پ.ک.ک و سیاست‌های مقابله‌جویانه ترکیه، سبب تغییر تاکتیکی سیاست خارجی امریکا از همکاری پنهان با پ.ک.ک به سمت همکاری مشترک با ترکیه برای سرکوب پ.ک.ک شده است. در این میان روابط پنهانی اسرائیل با کردها و به‌ویژه قراردادهای نفتی شرکت‌های اسرائیلی با اقلیم خودمختار کردستان که سبب نارضایتی و اعتراض آنان به‌بارزانی شده بود نیز تأثیرگذار بودند.

نتیجه‌گیری

منطقه خاورمیانه به‌دلیل تکثر هویت‌های قومی، مذهبی و نژادی و دولت - ملت‌سازی ناقص و ساختگی در تاریخ منطقه، همواره با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. در این میان در شرایط کنونی، دولت - ملت‌سازی در عراق و تحولات کردستان آن، متغیر مهمی برای تحولات آینده خاورمیانه محسوب می‌شود، چرا که هرگونه تغییر در وضعیت کردها در این کشور به‌صورت مستقیم بر کشورهای منطقه تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر تحولات کردستان سبب افزایش حساسیت دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌مسئله کردها شده و در این میان روابط پنهانی و استراتژیک اسرائیل و کردها بر اهمیت این مسئله افزوده است. این روابط که بر پایه منافع مشترک حیاتی دوجانبه کردها و اسرائیل برقرار شده و توسعه یافته است، پیامدهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری برای دولت‌های منطقه به‌ویژه ایران به‌دنبال دارد. بر این اساس استراتژی ایران در قبال کردستان باید بر پایه ملاحظات، منافع و تهدیدات آن در کردستان شکل گیرد. در این میان مهم‌ترین منافع و تهدیدات استراتژیک ایران در کردستان عراق عبارتند از:

۱. حفظ تمامیت ارضی عراق و عدم استقلال سیاسی و اقتصادی کردهای آن؛
۲. مقابله با نفوذ اسرائیل در منطقه و پیامدهای سیاسی - امنیتی و اقتصادی آن؛
۳. حساسیت نسبت به‌تعاملات اسرائیل و کردها؛
۴. جلوگیری از تقویت جریانات پان‌کردی و به‌ویژه گروه‌های مسلح کردی مانند پژاک؛
۵. تأکید بر اصالت ایرانی کردهای منطقه و نژاد مشترک ایرانی - کردی.

با توجه به این مسائل، جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدهای احتمالی و امکان استفاده از فرصت‌های موجود باید سیاست‌های زیر را در اولویت سیاست خارجی خود لحاظ کند:

- تأکید بر هویت ایرانی کردها و پیشینه تاریخی آنان در خاورمیانه می‌تواند تلاش اسرائیل برای همسان‌سازی نژاد کرد و یهود را خنثی کند.
- شناسایی و آشکارسازی اهداف اسرائیل در منطقه و به‌ویژه در کردستان که با پوشش اقتصادی و نظامی صورت می‌گیرد، حساسیت افکار عمومی منطقه نسبت به روابط دوجانبه میان کردها و اسرائیل باید جلب شده و از این طریق راه‌های برقراری روابط اسرائیل و کردها محدود شود.
- گسترش روابط با ترکیه و سوریه در مقابله با نفوذ اسرائیل در منطقه و به‌ویژه در کردستان عراق با تأکید بر تهدید موجود، از گسترش روابط ترکیه و اسرائیل باید جلوگیری کرده و زمینه دور ماندن سوریه از عادی‌سازی رابطه با اسرائیل را به‌وجود آورد.
- گروه پژاک نیز باید در کنار پ.ک.ک در لیست گروه‌های تروریستی بین‌المللی قرار گیرد تا از استفاده آن به‌عنوان اهرم فشار امریکا و اسرائیل علیه ایران جلوگیری شود. در این زمینه ایران باید با تأکید بر هدف مشترک پژاک و پ.ک.ک در ایجاد کردستان بزرگ، دولت‌های منطقه‌ای به‌ویژه ترکیه را با خود همراه کند.
- با همکاری دولت‌های کردنشین منطقه و تقویت مشارکت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کردها از فعال شدن گروه‌های نظامی کرد در منطقه جلوگیری شود. از سوی دیگر ایران باید با تقویت پایه‌های اقتصاد محلی و ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز اقتصادی در منطقه کردنشین ایران، به‌خنثی‌سازی تجزیه‌طلبی یا نفوذ اسرائیل در مناطق مرزی کردستان عراق و ترکیه با ایران پردازد.
- با توجه به تیرگی روابط کردها با دولت‌های ترکیه و سوریه و مناسبات نزدیک ایران و کردهای عراق و دولت مرکزی این کشور و جمهوری اسلامی ایران باید از فرصت موجود برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی در کردستان عراق استفاده شود و روند کنونی تعاملات اقتصادی را که در آن، حجم صادرات ترکیه علی‌رغم اختلافات متعدد با کردستان عراق، پنج برابر ایران و در حدود ۵ میلیارد دلار است معکوس شود. در این زمینه ایران می‌تواند با تأکید بر هویت ایرانی کردها و منافع اقتصادی همکاری آنان با ایران از طریق ایجاد بازارهای منطقه‌ای و تعامل با هم‌نژادهای کرد در ایران، توجه آنان را به همکاری با ایران جلب کند.
- همراهی با سیاست‌های افراطی ترکیه علیه کردها می‌تواند باعث تحریک بیشتر کردها شود و لذا این قبیل اقدامات باید با بررسی کامل صورت پذیرد.
- در سیاست خارجی ایران در قبال کردستان عراق نیز اصول زیر می‌تواند مدنظر قرار گیرد:
 - الف) گسترش مناسبات با دولت محلی کردستان عراق در راستای کاهش تهدیدهای امنیتی و سیاسی موجود.
 - ب) تأکید بر همکاری کردها و شیعیان در کنار سنی‌ها در ساختار سیاسی عراق و مقابله با مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور داخلی این کشور.
 - ج) مشارکت فعال در طرح‌های اقتصادی در کردستان عراق و رقابت با ترکیه و اسرائیل که به‌دلیل تیرگی روابط ترکیه با کردها و یا حساسیت منطقه‌ای در قبال روابط اسرائیل و کردها، از فرصت کمتری نسبت به ایران برخوردارند.

د) عدم مداخله آشکار در مسئله کرکوک و تأکید بر حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی عراق یا تمرکز درآمدهای نفت در دولت مرکزی براساس قانون نفت عراق. از سوی دیگر ایران باید با ارائه طرح‌هایی مانند انتقال نفت کرکوک به مناطق کردنشین ایران از انتقال نفت کرکوک براساس مسیر خط لوله کرکوک به حیفا در اسرائیل جلوگیری کند. بدین ترتیب ایران می‌تواند علاوه بر کاهش هزینه پمپاژ نفت جنوب به شمال کشور، زمینه گسترش تعاملات کردستان عراق با ایران و همچنین بهبود اوضاع اقتصادی و رفاهی کردهای ایران را به‌وجود آورد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Brecher, Michael, "The Foreign Policy System of Israel: Setting, Images, process", Oxford University press, London, 1972, pp. 48-49.
۲. پورحسن، ناصر، جایگاه جنوب آسیا در سیاست خارجی اسرائیل، فصلنامه مطالعات فلسطین، دوره جدید، شماره سوم، پاییز، ۱۳۸۷، ص ۱۳.
۳. لطفیان، سعیده، اسرائیل در مناطق پیرامون ایران، در کتاب «محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران»، ویراستاری داوود غرایق زندی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۷، صص ۲۰۶-۱۹۵.
4. Minasian Sergey, "The Israel – Kurdish Relations", 21-st Century, No. 2, 2007, p. 16-19.
۵. شیخ عطار، علیرضا، کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ۱۳۸۲، صص ۳۲-۲۱.
۶. قاسمی، علی، اسرائیل در کردستان عراق، فصلنامه جهان اسلام، شماره ۳۳-۳۴، مؤسسه اندیشه سازان نور، بهار و تابستان، ۱۳۸۷، ص ۴۶.
۷. هارون، یحیی، کردها: برگ امتیاز اسرائیل، استراتژی اسرائیل در خاورمیانه، دانشکده امام باقر (ع)، تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۶.
۸. ابریشمی، عبدا...، مسئله کرد در خاورمیانه و عبدا... اوجالان، انتشارات توکلی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۴۰.
9. Olsen, Robert, "An Israeli-Kurdish Conflict?" Kurdistan Report, No. 24, December, 1996, p. 9.
۱۰. اسدی، علی‌اکبر، روند تحولات در کردستان عراق و منافع بازیگران، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶، ص ۱۴.
۱۱. حق‌پناه، جعفر، کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه تحقیقاتی ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۷، صص ۱۳۰-۱۳۳.
12. Oppenheim Arielle & et, "The Chromosome poll of Jews as Part of the Genetic Landscape of the Middle East", The American Journal of Human Genetics, No. 69, November, 2000, pp. 1095-1112.
13. Nowick, Goran, "On Kurdistan and Israel Alliance", Kurdistan deserver. Com, April 5, 2004.
14. Mordechai, Zaken, "Jewish Subjects and their Chieftain in Kurdistan", Brill Publication, 2007, pp. 52-63.
15. Hersh, Seymour, "Plan B", The New Yorker, 21 June 2004.
16. Ibid.
17. Melman Yossi, "Defense Ministry turns blind eye as Israel: Sell arms to enemies", Haaretz, 21/11/2008.
۱۸. حق‌پناه، جعفر، پیشین، ص ۱۹۴.
۱۹. ملکی، مصطفی، نگاه سازه‌انگارانه به تحولات خاورمیانه: قاعده سازی، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۲۱، نیمه دی، ۱۳۸۶، ص ۱۷.
20. Kamal Said Qadir, "Iraqi Kurdistans , Downward Spiral", The Middle East Quarterly, Vol. XIV, No. 3, Summer, in Middle East Forum, 2007.
۲۱. اسدی، علی‌اکبر، پیشین، ص ۱۴.
۲۲. تقی‌پور، تقی، استراتژی پیرامونی اسرائیل، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۸۳، صص ۶۹-۳۵.
23. Bahgat, Gowdat, Israel and Iran in the New Middle East, Contemporary Security policy, Vol. 27, No. 1, 2006.
۲۴. کریمیان، کامیل، تعاملات و نگرش کردها به بازیگران داخلی و خارجی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۱.
25. Hersh, Seymour, Op.Cit.

26. **Ibid.**

27. Kibaroglu, Mustafa, “Clash of Interest Over Northern Iraq Drives Turkish-Israel Alliance to Gross Roads”, Middle East Journal, Vol. 59. No. 2, Spring 2005.

28. Hersh, Seymour, **Op.Cit.**

۲۹. کاکایی، سیامک، **سیاست کردی ترکیه: ملاحظات و راهبردها**، نمای راهبردی، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، سال پنجم، شماره سوم، خرداد، ۱۳۸۶، ص ۱۴.

30. Symords, Peter, “Washington’s Proxy war Inside Kurdish Iran”, Kurdistan Report, September 2007, p. 43.